

آثار روزی حلال و حرام در شکل گیری شخصیت فرزند از منظر آیات و روایات

فاطمه بارانی^۱

چکیده

بررسی عوامل موثر در شکل گیری شخصیت انسان از جمله مسائل مهم و کلیدی در حوزه علوم تربیتی و در نگاه آیات و روایات است. با توجه به اینکه تربیت سالم فرزندان و شخصیت والای آنها از دغدغه های اصلی والدین و همچنین هر جامعه ای می باشد و برای رسیدن به این هدف ارزشمند تغذیه سالم و لقمه حلال تاثیر بسزایی دارد، هدف از انجام این تحقیق، بررسی آثار روزی حلال و حرام در شکل گیری شخصیت فرزند از منظر آیات و روایات بوده و همچنین روش پژوهش، بر اساس مطالعه کتابخانه ای است که مبتنی بر بررسی آیات و روایات و مقالات و کتابهای مرتبط با موضوع می باشد. یافته ها حاکی از آن است که در منابع غنی اسلام، آیات و روایات فراوانی وارد شده است که علاوه بر تبیین جایگاه و اهمیت رزق حلال، آثار ارزشمند آن را بر رشد شخصیت انسان بر شمرده است. بنابراین نتیجه گیری می شود که بهره جستن از رزق حلال، آثار با برکتی را برای سلامت معنوی انسان همچون تاثیر مثبت در شخصیت و اخلاق فرد به همراه خواهد داشت.

واژگان کلیدی: حلال، حرام، شخصیت فرزند، آیات و روایات.

^۱. طلبه سطح دو، حوزه علمیه زینبیه (سلام الله علیها)، شهرستان: زهک شماره تماس طلبه: ۰۹۳۱۲۲۰۵۸۸۷.

یکی از نکات بسیار مهم و سرنوشت‌ساز در شخصیت فرزندان و داشتن نسل صالح، توجه پدران و مادران به رزق و روزی حلال و مطهر و خوراندن غذای پاک و حلال به فرزندان است. طبق آموزه‌های قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام، اهمیت غذای حلال به اندازه‌ای است که اثر مستقیم و انکارنشده‌ای در سعادت و خوشبختی و یا شقاوت و بدبختی هر انسان و نسل او دارد. این گونه است که باید در تهیه و استفاده از خوراک حلال و پرهیز از مال حرام و حتی شبهه‌ناک دقت زیادی شود تا نه تنها خود ما در امان و صحت دنیایی و اخروی باشیم، بلکه فرزندان و نسلی را پرورش دهیم که از آسیب‌های شیطانی در امان بمانند.

تغذیه معمولاً مربوط به جسم و امور جسمانی است و اخلاقیات در رفتار و ابعاد شخصیتی افراد معمولاً مربوط به روح می باشد. اما افراد صاحب نظر در این زمینه معتقدند که هر چند از دیدگاه اسلامی، حقیقت انسان جنبه روحانی و معنوی اوست و هدف اصلی تربیت نیز پرورش حس دینی و رسیدن آنان به کمالات معنوی می باشد، ولی با وجود این جنبه جسمانی او را نمی توان نادیده گرفت؛ زیرا جسم و روح رابطه متقابل با هم دارند و هر کدام بر دیگری تأثیر می گذارند بنابراین، عوامل مؤثر در تربیت نیروی جسمی انسان بر جنبه روحی او نیز مؤثر است و به عبارت دیگر با توجه به رابطه بسیار نزدیک و تنگاتنگ بین جسم و روح آدمی جایی برای این تعجب باقی نخواهد ماند و تأکید اسلام در استفاده از خوراکی ها و آشامیدنی های حلال و طیب این است که آدمی را به رشد و تعالی مادی و معنوی (جسمی و روحی) برساند و او را از خطرات و بیماری های ناشی از آن نجات دهد.

الف: حلال در لغت و اصطلاح

«حلال» از جمله مفاهیم قرآنی است که درباره ی آن معانی بسیاری ذکر کرده اند که به برگزیده ای از آن اشاره خواهیم کرد. حلال از ریشه ی حَلَّ به معنای، باز کردن است «وَ احْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي؛ گره از زبان من باز کن^۱». حلول که بمعنی نزول است اصل آن باز کردن بار وقت نزول است سپس در مجرد نزول بکار رفته. مثل «وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى؛ هر که غضب من بر او نازل شود حقاً که سقوط کرده است^۲». حلّ بکسر حاء بمعنی حلال استعاره از باز کردن گره (معنی اصلی) است^۳ مثل هذا «حلالٌ وَ هذا حرامٌ؛ پس حلال آنست که از ممنوعیت باز شده است^۴».

ابن منظور محمد بن مکرم گفته: «و الحِلُّ و الحلال و الحلال و الحلیل: نَقِیضُ الحرام»^۵. راغب گوید: «اصل طیب آنست که حواس از آن لذّت می برند و نفس از آن لذّت میبرد. و پاک کردن را استطابه گویند که پاک کردن چیزی سبب دلچسبی آنست. نَقِیض طیب خبیث است»^۶.

مراد از حلال و طیب بودن این است که رزق طوری باشد که طبع بشر از آن محروم نباشد، یعنی طبع آدمی آن را پاکیزه بداند و از آن خوشش آید، و ملاک حلیت شرعی هم همین است، چون حلیت شرعی، تابع حلیت فطری است، آری دین خدا همه اش مطابق فطرت است و خدای سبحان انسان را مجهز به جهاز تغذیه خلق کرده، و موجوداتی از زمین مانند حیوانات و نباتات را ملایم با قوام بشر قرار داده، و طبع بشر بدون هیچ نفرتی مایل آنها هست، و چنین چیزی برای او حلال است^۷. در آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا»^۸ تا آخر دو آیه، کلمه (حلال) در مقابل کلمه (حرام) است، و معنایش با کلمه (ممنوع) یکی است، وقتی می گویند فلان کار حرام است، معنایش این است که ارتکاب آن ممنوع است، و کلمه (حل) هم در مقابل (حرمت) می آید و هم در مقابل

^۱. طه: ۲۷

^۲. طه: ۸۱

^۳. قرشی، تفسیر احسن الحديث، ج ۲، ص ۱۶

^۴. نحل: ۱۱۶

^۵. ابن منظور، لسان العرب، ص ۱۶۷

^۶. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۵۲۷

^۷. قرشی، تفسیر احسن الحديث، ج ۲، ص ۱۸

^۸. بقره: ۱۶۸

حرم، و هم در مقابل عقد، و این کلمه یعنی کلمه (حل) در تمامی موارد استعمالش معنای آزادی در عمل و اثر را می‌رساند، و کلمه (طیب) در مقابل کلمه (خبیث) معنای ملایمت با نفس و طبع هر چیزی را می‌دهد، مثل کلمه طیب، که به معنای آن سخنی است که گوش را از شنیدنش خوش آید و عطر طیب که به معنای آن عطری است که شامه آدمی از بوی آن خوشش آید و مکان طیب یعنی آن محلی که با حال کسی که می‌خواهد در آن محل جا بگیرد سازگار باشد.^۱

در حدیث آمده است: خداوند، رزق مردم را از حلال معین کرده است. هر کس که به حرام روی آورد، از سهم حلال او کم خواهد شد.^۲

ب: حرام در لغت و اصطلاح

حرام از ریشه ی حَرَمَ به معنای ممنوع است.^۳ حرمت چیز است که هتک آن حلال و جایز نیست. المسجد الحرام- البیت الحرام- الشهر الحرام، همه از این باب اند یعنی اینها محترم‌اند و حدودی دارند و چیزهایی در آنها حرام شده که در غیر آنها حرام نیست. حرم مکه را از آن جهت حرم گویند که بعضی چیزها در آن تحریم شده بخلاف سایر مواضع، همچنین است ماه حرام و بیت الحرام مثل «أَوْ لَمْ نُمْكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَى إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ؛ آیا جا ندادیم آنها را در حرم امنی که میوه‌های هر چیز بآنجا جمع می‌شود»^۴. و یا شخص در حال احرام را حرام و محرم گویند چرا که از چیزهایی (محرمات احرام) ممنوع است. در آیه «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِلْسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ»^۵؛ محروم بمعنی ممنوع است یعنی کسی که از روزی و در آمد کافی ممنوع است و مقابله با سائل نشان می‌دهد که او در عین حال که فقیر است از کسی سؤال نمی‌کند و اظهار حاجت نمی‌نماید «تَعْرِفُهُمْ بِسَيِّمَاهُمْ»^۶ با علامتشان آنها را می‌شناسی.^۷

^۱. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ص ۴۱۷

^۲. شوکانی، فتح القدیر، ص ۲۰۰

^۳. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۳۰

^۴. قصص: ۵۷

^۵. ذاریات: ۱۹

^۶. بقره: ۲۷۳

^۷. قرشی، تفسیر احسن الحدیث، ج ۲، ص ۱۲۶

مراد از حرام در آیات قرآن گاهی حرام تکلیفی است مثل «وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا»^۱ و «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ»^۲. گاهی بطریق باز داشتن قهری و اجباری است مثل «إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ»^۳ و «قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ»^۴ و «قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً»^۵. این تحریم بطریق منع اجباری است که خدا جلوشان را گرفته است می شود گفت که تحریم طبیعی است همانطور که شخص تعلیم ندیده از هدایت هواپیما ممنوع است همچنین مشرک از رفتن به بهشت طبیعتاً ممنوع است گر چه راه بهشت باز باشد زیرا او توانائی رفتن ندارد پس حرام در اینگونه آیات بمعنی غیر مقدور است.^۶

گاهی بتسخیر و اعمال قدرت خداست مثل «وَ حَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ»^۷. زنان شیر ده را بر او قبلاً حرام کردیم، اینکه موسی پستان هیچ زن شیر ده را نگرفت فقط خواست خدا بود تا بالاخره بمادرش برگردد. گاهی تحریم طبیعی و مقتضای طبیعت است که خدا چنان قرار داده است مثل «وَ حَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ»^۸. یعنی بر قریه ای که هلاک کرده ایم برگشتن بدنیا، حرام و نا مقدور است، آنها بر نمیگردند.^۹ این واژه حدود ۷۵ بار در قرآن آمده است و در واقع هر مالی که بر خلاف دستور الهی بدست آمده، مال حرام است و دست یافتن و خوردن مال مسلمان و یا کافری که خداوند مال او را بر دیگران حلال نکرده، بدون اجازه آنان و بی آنکه یقین به رضایت آنان داشته باشیم، حرام است.^{۱۰} در مورد فرق بین خبیث و حرام می توان گفت که خبیث بذاته حرامست مثل خمر و نجاسات و متنجسات و حیوانات حرام گوشت و اشیاء مضره و نحو اینها و حرام بذاته حرام نیست لکن از راه حرام بدست می آورد از راه سرقت غصب ظلم کسب حرام و امثال اینها.^{۱۱}

۱. بقره: ۲۷۵

۲. بقره: ۱۷۳

۳. مائده: ۷۲

۴. اعراف: ۵۰

۵. مائده: ۲۶

۶. قرشی، تفسیر احسن الحدیث، ج ۲، ص ۱۲۹

۷. قصص: ۱۲

۸. انبیاء: ۹۵

۹. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۳۱

۱۰. نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۴، ص ۲۷۷

۱۱. طوسی، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۲۰۱

چ: تأثیر منفی در نسل

نطفه ای که از آن فرزندان به وجود می آیند، از غذایی که پدر و مادر تناول می کنند، تولید می شود و در صورت نامشروع بودن «درآمد»، شیطان در به وجود آمدن این فرزندان مشارکت می کند و گرایش این فرزندان به گناه بیشتر می شود و تربیت آنها سخت تر و تکامل اخلاقی شان با مشکلات زیادتری روبه رو خواهد شد. لقمه حرام، چنان در حان و روان یک طفل اثر می گذارد که نمی تواند به آسانی از افاضات نورانی حق تعالی کسب نور کند و به سعادت راه یابد: خداوند می فرماید: «اذْهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاءُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا... وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ...» (ای شیطان) برو! هر کس از آنان که از تو تبعیت کند، جهنم کیفر شماست؛ کیفری فراوان... و در ثروت و فرزندانشان شرکت جوی^۱.

بر اساس روایات، شرکت شیطان در فرزندان آن است که نطفه فرزندان از مال حرام منعقد شده باشد.^۲

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می گوید: پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله وسلم) فرمود: خداوند متعال بهشت را بر کسی که بسیار ناسزا می گوید و باکی ندارد از اینکه هر حرف (زشتی) بگوید یا بشنود، حرام کرده است. اگر پی جویی کنید، چنین فردی را زنازاده یا کسی که (به سبب حرام خواری) شیطان در انعقاد نطفه اش شرکت داشته، خواهید یافت. سؤال شد آیا شیطان در این گونه موارد شرکت دارد؟ پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) فرمود: آیا این سخن خداوند را نخوانده ای که فرمود: «وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ...»^۳.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «کسی که میل به زنا و خوردن مال حرام دارد، شیطان در نطفه اش شرکت داشته است»^۴.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «كَسَبُ الْحَرَامِ يُبَيِّنُ فِي الذَّرِّيَّةِ؛ درآمد حرام در فرزندان اثر (نامطلوب) می گذارد (و هدایت آنها را دچار مشکل می کند)»^۵.

۱. اسراء/۶۳ و ۶۴.

۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۲: ص ۲۰۸.

۳. حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۱۸۲.

۴. همان، ص ۱۸۳.

۵. مجلسی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۳.

نتیجه گیری

لقمه حلال رزقی است که از راههای مشروع حاصل شود از مهم ترین دستورات اقتصادی اسلام، کسب روزی حلال است. لقمه حلال تأثیرات مستقیم و قابل توجهی در زمینه های مختلف از جمله شکل گیری نطفه و روند رشدی در دوران کودکی دارد و اگر می خواهیم فرزندان سالم، متدین و تربیت پذیر داشته باشیم باید منبع درآمد ما حلال باشد. بدا به حال بچه ای که گوشت و پوست واستخوان او از غذای حرام روییده شود، پس زمان بارداری مراقب این امانت الهی باشید که این امانت را خوب تحویل جامعه بدهید. در اهمیت کسب روزی حلال همین بس که به دست آوردن آن به جهاد تشبیه شده است. تلاش برای به دست آوردن روزی حلال در آیات و روایات مورد تاکید قرار گرفته است. اگر فردی لقمه حرام استفاده کند نه تنها خود وی مصدر خیری در جامعه نیست بلکه باعث می شود حرامخواری در نسل وی تأثیر بگذارد.

می توان گفت، تأثیر غذا در ساخته شدن شخصیت انسان، حتی در دوران قبل از تولد او در این دنیا، امری حتمی و غیر قابل انکار است که در طول دوران زندگی او هم باید مورد توجه باشد. به همین علت است که یک شخص مسلمان برای داشتن نسل مؤمن و مسلمان باید تا حد امکان از خوردن غذاهای حرام و شبهه ناک پرهیز کند. بنابراین هر اندازه که غذاهای موجود بر سفره یک خانواده مسلمان ساده و کم باشد، حلال و پاک بودن آنها در ساخته شدن شخصیت مسلمانی فرزندان کفایت خواهد کرد. چراکه غذاهای حلال زمینه را برای رشد فضیلت های اخلاقی و صفات پسندیده فراهم می کند. همان طور که در روایت های بسیاری از ائمه اطهار (علیهم السلام) تأکید شده است که غذایی که مادر در دوران بارداری و یا شیردهی می خورد علاوه بر آثاری که بر جسم و ظاهر فرزند او می گذارد، تأثیراتی هم بر اخلاق و صفات هم دارد.

منابع

*قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت: داراحياء. ۱۴۱۶ق.
۲. احمدی، علی اصغر، روان شناسی شخصیت از دیدگاه اسلام، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۴
۳. بستان آبادی، محمدباقر، ستاره های فضیلت، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول. ۱۳۸۰ش.
۴. جعفری، محمد تقی، شرح مثنوی، نشر فرهنگ اسلامی، ناشر: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۷۹
۵. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم، مرکز نشراسراء، چاپ دوم، ۱۳۷۹ش.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، آل البيت، ۱۴۱۴ هـ ق
۷. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، چاپ هاشم رسولی محلاتی، قم، ۱۳۸۳ هـ ش.
۸. حقانی، ابوالحسن، روان شناسی کاربردی، قم: موسسه امام خمینی(ره)، ۱۳۹۰
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد: «مفردات الفاظ القرآن»، قم، انتشارات ذوی القربی، چ ۲، ۱۴۱۲ هـ ق.
۱۰. رایکمن، ریچارد، نظریه های شخصیت، مترجم: مهرداد فیروزبخت، تهران: ارسباران، ۱۳۸۷
۱۱. رشاد، علی اکبر. دانشنامه امام علی(ع)، چاپ یکم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. ۱۳۸۰.
۱۲. شاملو، سعید، روان شناسی شخصیت، تهران: رشد، ۱۳۸۲
۱۳. شوکانی محمد بن علی، فتح القدیر، دار ابن کثیر، دار الکلم الطیب - دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۱۴. صالحی مازندرانی، اسماعیل، شرح کفایة الاصول، قم: صالحان، ۱۳۸۲.

۱۵. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر نشر اسلامی. ۱۴۱۷ق.
۱۶. طوسی، محمد (شیخ طوسی) التبیان فی تفسیر القرآن (تحقیق: احمد حبیب قیصر العاملی) مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ ق
۱۷. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، احمد غفاری مازندرانی، تهران، نشر مرتضوی، چاپ اول، ۱۳۷۱ش.
۱۸. علامه حلی، حسن بن یوسف . الجوهر النضید، چاپ پنجم. قم: انتشارات بیدار. ۱۳۹۱
۱۹. عیاشی، محمد بن مسعود؛ تفسیر عیاشی؛ محقق/مصحح: سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۱، تهران: المطبعة العلمية. ۱۳۸۰ق.
۲۰. فیست، جیس و گریگوری جی فیست، نظریه های شخصیت، مترجم: یحیی سید محمدی، تهران: نشر روان، ۱۳۹۱
۲۱. قرشی، سیدعلی اکبر، تفسیر احسن الحدیث ، بنیان بعثت ، تهران، چاپ سوم . ۱۳۷۷
۲۲. قمی، شیخ عباس ، «سفینه البحار»، دارالتعارف. ۱۴۰۳
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب: «الکافی»، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۴، ۱۳۶۵. ه ش
۲۴. گوهری، سید اسماعیل، مفسد مال و لقمه حرام، انتشارات احمدی، ۱۳۷۷،
۲۵. متقی هندی، علاءالدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تصحیح بکری حیانی و صفوة السقاء، بیروت، الرساله، چاپ پنجم، ۱۴۰۹ق.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار(ع)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۲۷. محدث نوری، حسین. مستدرک الوسائل .قم: آل البيت. ۱۴۰۸.
۲۸. مشکینی اردبیلی، علی، المواعظ العددیه، قم، المطبعة العلمية. ۱۳۸۵.

۲۹. مظاهری، حسین، تربیت فرزند از نظر اسلام، ام اییها، قم، چاپ اول . ۱۳۷۳ ش.
۳۰. _____ خانواده در اسلام، ناشر: شفق، ۱۳۸۸
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ پانزدهم . ۱۳۷۷ ش.
۳۲. مولوی، مثنوی، انتشارات بهنود، ۱۳۷۵.
۳۳. میخبر، سیما، ریحانه بهشتی، نورالزهرای(س)، قم، چاپ نهم . ۱۳۸۳ ش.
۳۴. نجفی، محمد حسن، «جواهرالکلام»، مکتبه الاسلامیه. ۱۳۶۵
۳۵. نراقی، احمد بن محمد مهدی. معراج السعاده، چاپ پنجم، تهران: طوبای محبت. ۱۳۸۹
۳۶. نهاوندی، علی اکبر، خزینة الجواهر فی زینت المنابر، ناشر: کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۷۷
۳۷. هادی نیا، علی اصغر، جایگاه اقتصادی سنت رزق، اقتصاد اسلامی، شماره ۲۸. ۱۳۸۶ ش.